

خطبه حضرت زینب (س) در کوفه:

سخنان حضرت زینب (س) پس از شهادت سالار شهیدان و خطبه های آن حضرت در بازار کوفه و دربار یزید در شام چنان قوی و تکان دهنده بود که همگان را به حیرت واداشت و مسلمانان را از خواب غفلت بیدار کرد.

رسولی محلاتی به نقل از طبرسی می نویسد: هنگامی که حضرت علی بن الحسین را به همراه زنان از کربلا به کوفه آوردند، زنان کوفی با دیدن آنان به شدت می گریستند و گریبان چاک می دادند و مردان نیز با آنان گریه می کردند. امام زین العابدین (ع) که در آن زمان بیمار بود با صدای بلند فرمود: اینان بر ما می گریند پس چه کسی جز اینها ما را کشت؟ در این وقت حضرت زینب (س) با اشاره ای مردم را ساکت کرد. با همان اشاره نفس ها در سینه حبس شد و زنگ شتران از صدا افتاد، آنگاه زینب (س) چنین گفت: سپاس و ستایش خاص خداست و درود بر پدرم محمد و خاندان پاک و برگزیده اش و سپاس ای مردمان کوفه!

ای مردمان دغل پیشه و فریبکار و بی حمیت و حيله گر! اشکانتان خشک نشود و ناله هایتان پایان نپذیرد! براستی حکایت شما حکایت زنی است که رشته های خود را محکم بافته و سپس باز می کرد، شما سوگندتان را دستاویز فساد قرار دادید! شما چه دارید جز لاف زدن و دشمنی و دروغ! و همچون کنیزان چاپلوس و دشمنان سخن چین! یا همانند سبزه و گیاهی که برفراز سرگین روید و یا همچون نقره ای که روی قبر را بدان اندود کرده باشند که ظاهری زیبا و فریبنده و باطنی بد بو و گندیده دارد.

براستی که بد توشه ای برای خود فرستادید که خشم خدا بر شماست و در عذاب جاویدان هستید.

آری بگریید که به خدا سوگند شایسته گریستن هستید، بسیار هم بگریید و اندک بخندید که ننگ آن گریبان گیر شما شد و وبال آن شما را در برگرفت و هرگز لکه این ننگ را از خود نتوانید شست! و چگونه پاک خواهید کرد لکه ننگ کشتن فرزندان خاتم پیامبران و معدن رسالت و آقای جوانان بهشت را! همان که در جنگ سنگر شما بود و در پناه حزب و دسته شما بود و در هنگام صلح سبب آرامش دلتان و مرهم زخمتان و در جنگ ها مرجع شما و بیانگر دلیل های روشن و چراغ هدایت شما بود. براستی چقدر بد است آنچه برای خود پیش فرستادید و چقدر بد است بار گناهی را که برای روز جزا بر دوش خود نهادید! نابودی و سرنگونی بر شما باد! کوششتان به نومییدی انجامید و دست هایتان بریده شد و سوداگری شما زیان داد و به خشم خدا باز گشتید و خواری و بیچارگی را برای خود مسلم و قطعی کردید! وای بر شما! هیچ میدانید چه جگری از رسول خدا پاره کردید؟ و چه پیمان محکمی را بستید؟ و چه حرمتی را از او هتک کردید؟ و چه خونی را از او ریختید؟ و چگونه به حریم او بی احترامی کرده و حرم او را از پرده بیرون افکندید؟ کار بسیار بزرگی انجام دادید که نزدیک است آسمان ها از هول این کار بشکافد و زمین متلاشی شود و کوهها از هم بپاشد! مصیبتی بس دشوار و بسیار بد و پیچیده و شوم که راه چاره در آن وجود ندارد، و شایسته است در عظمت آن، آسمان خون ببارد و براستی که عذاب آخرت خوار کننده تر خواهد بود و یاری کننده ای نخواهید داشت! و این مهلت تاخیر در کیفر الهی شما را خیره نکند که خدای عزوجل در انتقام عجله نمی کند و ترسی از فوت و از دست رفتن انتقام ندارد. حتما پروردگار در کمینگاه شماست.